فهرست مطالب:

اشاره به مباحث قبل: 2

مطلب چهاردهم: رویکردهای امر و نهی 2

1ـ رویکرد اول: سخت‌گیرانه و حداکثری 2

2ـ رویکرد دوم: سهل‌گیرانه و حداقلی 3

جمع بندی دو رویکرد: 3

3ـ رویکرد اعتدالی 4

سؤال: 4

پاسخ استاد: 4

سؤال: 5

پاسخ استاد: 5

مطلب پانزدهم: تکلیف ما در برابر دیگران 5

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** امر به معروف و نهی از منکر/ جمع‌بندی مباحث

**اشاره به مباحث قبل:**

در یک نگاه کلان و جمع‌بندی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر انجام دادیم. چند نکته دیگر می‌افزاییم تا اگر بشود کلیت این مباحث را جمع کنیم و انشاء الله بعد از تعطیلات دهه محرم وارد بحث «اصول تربیت» شویم.

**مطلب چهاردهم: رویکردهای امر و نهی**

امر به معروف و نهی از منکر مطابق آنچه در منطق فقهی ما وارد شده است، ـ ضمن اینکه از اهمیت بالایی برخوردار است و ضمن اینکه اعمال قدرت برای اجرایی‌شدن احکام شرعی می‌باشد ـ دارای شرایط است. برخی از شرایط را ذکر کردیم و تعدادی از آن را پذیرفتیم. از طرفی در تزاحمات هم نکاتی مطرح است که موجب محدود شدن امر و نهی می‌شود. نتیجه اینکه موازنه این است که امر به معروف و نهی از منکر هم مشتمل بر هسته سخت، مجاهدت و تلاش است و در عین حال حالت مرونت و نرمش هم دارد.

پس سه نوع رویکرد متصور است:

**1ـ رویکرد اول: سخت‌گیرانه و حداکثری**

 رویکرد سخت و تند در امر به معروف و نهی از منکر از نظر تاریخی وجود داشته که در این رویکرد شرط چندانی برای امر به معروف و نهی از منکر وجود ندارد. امر و نهی در این رویکرد شمول دارد و به هیچ عنوان نمی‌توان آن را ترک کرد و کنار گذاشت. باید در هر حال امر به معروف و نهی از منکر را اجرایی کرد. برخی از نحله‌های کلامی مانند خوارج چنین نگاهی داشته‌اند. خیلی تند بر خورد می‌کردند. این رویکرد، رویکرد افراطی به امر به معروف و نهی از منکر است که در برخی از نحله‌های فقهی و کلامی وجود داشته است. در بین شیعه نحله و نظریه افراطی از این قبیل نداریم ولی گرایشات عملی تند وجود داشته است.

در این رویکرد امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک واجب مطلق تلقی شده است و خیلی کم مشروط و محدود شده است، در تزاحمات کوتاه نمی‌آیند و می‌خواهند با تمام توان امر به معروف و نهی از منکر اجرایی شود.

این بحث غیر از آن است که گاهی برخی از افراطیون در تشخیص مصداق دچار اشتباه می‌شدند مثلا خوارج رفتار و نگاه امیر المؤمنین علیه السلام را منکر می‌دانستند و به سلیقه خود می‌خواستند حضرت را نهی از منکر کنند. این رویکرد افراطی در جهاد نیز وجود داشته است.

**2ـ رویکرد دوم: سهل‌گیرانه و حداقلی**

رویکرد دوم، رویکرد تفریطی است که امر به معروف و نهی از منکر را چنان مشروط تفسیر می‌کنند که کمتر مصداق پیدا می‌کند. این رویکرد تفریطی گاهی در نظریات می‌آید و گاهی در عمل خود را نشان می‌دهد. شرایط مختلف از قبیل احتمال تأثیر، عدم ضرر را به صورت مطلق در نظر می‌گیرند و انتهایش چیزی در نمی‌آید. مراتب امر به معروف و نهی از منکر هم به نحوی قیودی به آن اضافه می‌کند. این رویکرد کم و بیش در بین فقهای ما و فقهای عامه وجود داشته است، مثلا گاهی با وجود اندک ضرری، نسبت به همه انواع معروف و منکر بی‌تفاوت می‌شوند.

**جمع بندی دو رویکرد:**

پس در باب امر به معروف و نهی از منکر و دامنه و دایره شمول آن سه رویکرد وجود دارد؛

رویکرد اول، رویکرد حداکثری و افراطی است که برخی نحله‌های کلامی و فقهی مانند خوارج و تکفیری‌های زمان ما و داعش و ... از همین قبیل هستند. افراطی و مطلق‌گرا که دایره شرایط را محدود می‌دانند.

رویکرد دوم، نگاه حداقلی و تفریطی است که تا حدودی در نحله‌های فقهی شیعه نیز وجود داشته است؛ آنان شرایط امر به معروف و نهی از منکر را خیلی وسیع می‌گیرند و اندک ضرری را موجب تعطیلی باب امر به معروف و نهی از منکر می‌دانند؛ آنان باب امر به معروف و نهی از منکر را محدود می‌دانند. این دو رویکرد دارای «طیف» و مراتب شدت و ضعف است.

**3ـ رویکرد اعتدالی**

ما فکر می‌کنیم باید رویکرد میانه‌ای را گرفت. این رویکرد مبتنی بر چند نکته است:

1ـ امر به معروف و نهی از منکر واجب مشروط است و دارای شرایط خاص خویش است؛ شرایطش نه خیلی باز و نه خیلی بسته است.

2ـ دوم اینکه در تزاحمات هم، امر و نهی محدود می‌شوند؛ ما باب تزاحمات در امر به معروف و نهی از منکر را مهم دانستیم؛ گفتیم ضررهم مراتب دارد که باید نسبت به درجه معروف و منکر سنجیده شود. ضرر و احتمال تأثیر با توجه به تزاحمات و اینکه نتیجه ترک معروف و انجام منکر چه می‌شود، و ... باید ملاحظه شود. اگر منکری دین مردم را از بین می‌برد، نمی‌شود با أدنَی ضرری از امر به معروف و نهی از منکر دست کشید.

خروجی این نظریه امر به معروف و نهی از منکر که ما بیان کردیم نه آن قدر خشن و صلب و بدون انعطاف است و نه آنقدر مرونت و سهل‌گیری است که مصداق پیدا نکند و خیلی محدود شود، این قدر بی‌خاصیت نمی‌شود. از مجموع مباحث امر به معروف و نهی از منکر با تفاصیلی که بیان کردیم، نظریه سوم به دست می‎‌آید. این بحث قابل تعقیب بیشتر است.

**سؤال:**

آیا در فتاوای فقهای شیعه هم افراط داشتیم؟

**پاسخ استاد:**

در بین شیعه خیلی نداشتیم. مرحوم امام راحل (ره) که خیلی تند وارد شده‌اند، باز هم شرایط را قبول دارند. عالی‌ترین و سخت‌ترین درجه امر به معروف و نهی از منکر عاشورا است که آن‌هم با ملاحظه واقعیت بود. در معادله تزاحم خیلی از سختی‌ها برداشته می‌شود؛ مرونت همراه با لحاظ شرایط همراه است.

ما بیشتر در جنبه‌های عملی امر به معروف و نهی از منکر، افراطی داریم، افراط در اجرای آن، گاهی تأثیر را از بین می‌برد و گاهی زدگی ایجاد می‌کند. برخی افراد گاهی محاسبات را انجام نمی‌دهند یا اصلاً متوجه نیستند و نمی‌فهمند لذا افراط می‌کنند.

این نظریه اعتدالی، از یک انسجام و میانه‌روی برخوردار است. البته این اعتدال به معنای میانه حرکت کردن نیست. گاهی اعتدال به معنای میانه‌ی حق و باطل حرکت کردن، گرفته ‌می‌شود که غلط است. عاشورا اعتدال به معنای میانه‌ی حق و باطل نبود بلکه به مفهوم اعتدال دینی بود.

در مراتب بالای امر و نهی، ملاحظه کردید که ملاک آن اذن حاکم شرع بود؛ اذن ولایی می‌خواهد اگر منجر به خون‌ریزی شود البته با یک استثنی که قبلاً ذکر کردیم.

**سؤال:**

زیدیه که امر به معروف و نهی از منکر را در حد اصول دین بالا آورده‌اند، در چه طبقه قرار می‌گیرند؟

**پاسخ استاد:**

قیام زید برای ما شبهه مصداقیه است. در برخی از نقل‌ها، نتایید امام معصوم (ع) را دارد و در برخی موارد چنین تاییدی را ندارد.

**مطلب پانزدهم: تکلیف ما در برابر دیگران**

این نکته را در چند جلسه پرداختیم، در جمع‌بندی هم اشاره کنیم. یک منظومه بحث آوردیم که موضع مکلف را در برابر طاعت و معصیت دیگران معین می‌کند. این بحث تقسیم شد به:

1. مواضع انسان در برابر طاعت دیگران
2. موقف و موضع انسان در برابر ارتکاب معصیت و منکر توسط دیگران

موقف مکلف در برابر موقف و عملکرد دیگران نسبت به معصیت، خود به دو قسم تقسیم می‌شود:

مواضعی که نبایست گرفت، اعلام موضوع کردن ممنوع است، به تعبیر دیگر مواضع سلبی و منفی که مورد نهی شارع واقع شده است. منهیات شرع.

مواضعی که باید در برابر دیگران اتخاذ شود، کارهایی باید انجام داد، در واقع امر شده است که چه کاری بکنیم.

مثال در منهیات: گناهکار را مسخره نکنیم؛ غیبت، تشویق به گناه، طعنه زدن، فحش دادن و ... ممنوع است. در دفترچه‌ یادداشتم قریب بیست مصداق را آورده‌ام. این بحث در امر به معروف و نهی از منکر مطرح نشد که باید در تعلیم و تعلم بحث شود.

نوع دیگر از موقف‌ها، آنهایی است که باید انجام داد که بخشی از آن در امر به معروف و نهی از منکر مطرح شد از قبیل کارهایی که در مراتب امر و نهی انجام می‌شود مثل راحتی درونی، اظهار کراهت، امر و نهی زبانی و ...

لذا امر به معروف و نهی از منکر در یک بحث کلان فقهی قرار می‌گیرد با عنوان

«موقف انسان در برابر طاعت و معصیت دیگران»:

تکالیف ما در برابر دیگران از حیث طاعت و معصیت به دو دسته تقسیم می‌شود:

1) در برابر طاعت دیگران، 2) در برابر معصیت دیگران

هر یک از دو قسم به دو نوع تقسیم می‌شود که 1) کارهایی که باید انجام شود، 2) کارهایی که نباید انجام شود. در مجموع چهار قسم می‌شود. بنا بر این اقسام وظایف انسان می‌شود:

1ـ وظایفی که در برابر اطاعت (اعم از واجب و مستحب) دیگران باید انجام بدهیم، مثلا باید تشویق کرد.

2ـ وظایفی که در برابر اطاعت (اعم از واجب و مستحب) دیگران نباید انجام بدهیم، مثلا نباید مسخره کرد، و ... منهیات شرعی فهرست بلند دارد.

3ـ وظایفی که در برابر معصیت دیگران باید انجام بدهیم.

4ـ وظایفی که در برابر معصیت دیگران نباید انجام بدهیم.

با این نگاه این بحث و امر به معروف و نهی از منکر در یک منظومه کلان فقه تعلیم و تربیت قرار می‌گیرد. بخشی از فقه تعلیم و تربیت که حدود پنجاه الی صد عنوان دارد، کارهایی است که برای ایجاد تغییر در دیگران باید انجام داد یا باید ترک کرد. رفتار دیگران اعم از مثبت و منفی، اطاعت و معصیت است و ما در برابر آن کارها باید اعلام موضع بکنیم یا نباید کاری بکنیم. در اینجا کار فقهی خوب و جامع انجام نشده است.

این نوع مباحث به درد تبلیغ شما هم می‌خورد و ما هم بنا داریم در نماز جمعه بخشی از این موضوعات را مطرح کنیم.

جلسه بعد، اولین سه شنبه بعد از تعطیلات تاسوعا و عاشورا...